

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جولای ۲۰۲۱

آغاز تصفیه و جنگ قومی در شمال!؟

(۲)

شنبه- ۱۲ سرطان ۱۴۰۰ - کابل:

۴- کودتای خونبار نوکران روس در ۷ ثور ۱۳۵۷، به همان سان که در تمام کشور باعث بروز و یا تشدید تضاد های خفته گردید، در شهر قندوز نیز بر مبنای سیاست های تفرقه افکنانه باند های خلق و پرچم که بقای شان را در ایجاد و تشدید تضاد بین خلقهای باهم برادر کشور می دیدند و عامدانه یک قوم را علیه قوم و یا اقوام دیگر تحریک و مورد سوءاستفاده قرار می دادند، باعث تشدید تضاد بین اقوام ساکن آن دیار گردید.

آنهم به قسمی که به جای اشرافیت قبلی در آن شهر یعنی "ناشر و فامیلش" و تعدادی از خوانین قوم پشتون، "عبدالله امین" برادر "حفیظ الله امین"- همه کاره آن زمان در دولت پوشالی-، و تعدادی از افراد وابسته به جناح خلق و وفادار به باند خودشان را به مقامات بالای ولایت مقرر نموده، در حالی که خودش به مانند یک امپراتور و شاه مطلق العنان بر چپ و راست شمشیر می کشید، در نخستین گام بالای اقشار نسبتاً مرفه اقوام تاجیک، هزاره و ترک تبار حمله نموده عده ای را به زندان افگند و تعداد بیشماری را به شکل نیمه علنی از بین برده، برای مردم فریبی و به خاطر آن که اقشار ناآگاه خلق پشتون را به طرف خود جلب نماید، جنایاتش را با پرده قومی، عرضه نمود و بدان سان، تخم کین و نفاق بین اقوام با هم برادر کشور را تا جایی کاشته و تا جایی آبیاری نمود.

وقتی بعد از ۱۸ ماه، مصلحت بادران شان ایجاب نمود تا غلام جدیدی را بر اورنگ قدرت بنشانند و به حاکمیت خاندان "امین" در قندوز خاتمه داد، از آن جایی که پرچمی ها کادر بومی که بتواند اداره امور ولایت را به حرکت در آورند نداشتند، زیرا گذشته از این که قبل از کودتا نیز در بین مردم و روشنفکران قندوز جای پائی نداشتند، باند "امین" نیز تا توانسته بودند، چند ده تن از اعضای پرچمی قندوزی را که بیشتر بین اقوام غیر پشتون وجود داشتند، پاکسازی و حذف فیزیکی نموده بود، در نتیجه پرچمی ها ناگزیر شدند جهت اداره قندوز باز هم به جناح خلق تکیه نمایند، تکیه به جناح خلق در شهر قندوز، یعنی ادامه همان سیاست سرکوب سایر اقوام و تشدید نفاق و شقاق بین اقوام ساکن کشور.

۵- هرگاه در تحلیل خود به همین تذکر به جبهه "ساما" تحت رهبری زنده یاد انجنیر "سرور" را که در خود از تمام اقوام ساکن قندوز اعم از هزاره، پشتون، تاجیک، ازبیک، ترکمن و .. را داشت، خوش درخشید مگر دولت مستعجل

بود و به وسیله یکی از جلادان تاریخ معاصر کشور "احمدشاه مسعود" در ازای جلب رضایت روسها از بین برده شد، اکتفاء نمایم، و تعدادی از تاجیکان روشنفکر جدا شده از باند خلق را که ادعای "عیاری" داشتند، نیز از قلم نیندازم، در تمام دوران حاکمیت روسها در افغانستان و باند مزدور جنایتکارش، از آن جایی که هزاره ها و پیروان مذهب تشیع تقریباً به صورت کامل به وسیله "عبدالله امین" سرکوب و سران شان حذف فیزیکی شده بود، و به همین سان ترک تبار ها نیز شدیداً سرکوب شده بودند، در کل مقاومت رسمی در ولایت قندوز به وسیله تاجیک ها- شاخ و برگ های مربوط جمعیت اسلامی که به مرور زمان همه تابع "مسعود" شده با پیوستن به شورای نظار، هویت غلیظ تاجیکی شان را تبارز دادند- و پشتون ها زیر اداره "گلبدین" از طریق "غلام قصاب"، نمایندگی می شد. مطمئنم آن عده از خواندگانی که با ماهیت باند های "ربانی- مسعود" و "گلبدین" آشنائی دارند، این را نیز می دانند که هر دو باند بسیار آگاهانه و در تبانی با روس ها فقط در جهت حذف یک دیگر و نیروهای انقلابی بودند، یعنی آن افتراق قومی را که "عبدالله امین" آغاز نموده بود و یک جانبه کتله های وسیعی از اقوام دیگر را نابود نموده بود، این دو باند نیز ادامه داده، به صد ها و هزاران تن از مردم بیگناه ما را به جرم تعلقات قومی و زبانی شان نابود نموده، با هر باری که یک منطقه بین آنها دست به دست می شد، صد ها خانواده را یا وادار به کوچ اجباری می نمودند و یا هم از بین می بردند.

ادامه دارد.